

چاپ: کار و کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷

نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، نرسیده به روانپنر، پلاک ۱۳۲

نشانی سایت: toseirani.ir

ایمیل: toseirani@gmail.com

تلفن تحریریه: ۰۲۱)۶۶۹۵۶۶۰۰

اینستاگرام: @tosee_irani

اتفاق روز

جنگ پرسپولیس و سپاهان بر سر مهدی لیموجی استارت خورده است

نقطه جوش

نگار رشیدی

در روزهایی که تب جام‌جهانی فوتبال تمام توجهات را به خودمطوف کرده‌وسایه‌سنگین اتفاقات غیرورزشی و تعطیلی موقت لیگ برتر بر سر فوتبال ایران افتاده است، در زیر پوست این آرامش ظاهری، یک جنگ سرد تمام‌عیار میان دو قطب بزرگ فوتبال ایران در جریان است. جنگی که در هیاهوی اخبار بین‌المللی شاید کمی پنهان مانده باشد، اما برای اهالی فن و دنبال‌کنندگان جدی فوتبال، جذاب‌ترین سوزنه این روزهاست.

سوزه‌ای به نام مهدی لیموجی؛ ستاره‌ای که حالا در دست در نقطه جوش مثلث اصفهان، تهران و جام جهانی ایستاده‌است. داستان از جایی شروع‌شد که کمتر کسی انتظارش را داشت. مهدی لیموجی، شماره هفت‌جاهطلب‌سیاهان، ناگهان سکوت را شکست و در یک مصاحبه طوفانی، پیکان تیز انتقاداتش را به سمت محرم نوید کیا، سرمربی وقت و اسطوره بی‌بدیل باشگاه نشانده رفت. ادعای لیموجی سنگین و بی‌سابقه بود؛ او نوید کیا را مقصر اصلی خط خوردنش از لیست نهایی تیم ملی و جا ماندن از پرواز جام‌جهانی معرفی کرد. برای بازیکنی از نسل جدید، از دست دادن بزرگ‌ترین تورنمنت فوتبالی جهان یک کابوس است. اما بیان این جملات چیزی فراتر از یک گله‌گذاری ساده بود؛ این یک اعلان جنگ رسمی در رسانه‌ها محسوب می‌شد. لیموجی به خوبی می‌دانست که در مکتب اصفهان، درافتادن با چهره‌ای دارای اورتبه مثل نوید کیا، به معنای پایان کار در ورزشگاه نقش جهان است. در واقع، او دقیقاً همین را می‌خواست؛ یک خروج پر سر و صدا و ساختن پلی به سوی پایتخت.

این مصاحبه جنجالی، تنها یک واکنش احساسی و لحظه‌ای نبود، بلکه حلقه آخر از یک زنجیره بر نام‌بریزی شده برای جدایی به‌شمار می‌رفت. پیش از آنکه لیموجی سفره دلش را در رسانه‌ها باز کند، جنگ حقوقی خاموشی را کلید زده بود. او با ارسال اظهاریه رسمی (نوتیس) به باشگاه بابت مطالبات معوقه‌اش، امیدوار بود که با تعمل همیشگی تیم‌های ایرانی در پرداخت‌ها مواجه شود. هدف مشخص بود؛ فسخ یک‌طرفه قرارداد با سفر به تهران به عنوان یک بازیکن آزاد. اما اینجاد بود که مدیریت سیاهان، دست ستاره جوان خود را خواند. آنها به سرعت دست به کار شدند و پیش از پایان مهلت قانونی، مطالبات او را تا ریال آخر به حسابش واریز کردند. با این پاتک سریع، رویای فسخ بی‌درمسر بر باد رفت. لیموجی در تله‌ای افتاد که خودش پهن کرده بود؛ پوشش را گرفته بود، اما همچنان تحت قرارداد باشگاهی بود که حالا شمشیر را برایش از روسته بود. پس از این ناکامی حقوقی بود که او به‌سراغ پلان دوم (مصاحبه‌ها) رفت. وقت تا باشگاه را برای صدور رضایت‌نامه تحت فشار روانی قرار ددهد.



سیاهان این فصل، با یک تغییر استراتژی بزرگ مواجه‌است. بودجه‌ها به شدت انقباضی شده و باشگاه به دنبال ساختن تیمی جوان‌تر و ارزان‌تر است. مدیران اصفهانی به خوبی می‌دانند که در این شرایط، فروش ستاره‌های ارزشمندی مانند آریا یوسفی، محمادمین حرزبوی و البته مهدی لیموجی، می‌تواند یک منبع درآمد فوق‌العاده برای بازسازی تیم باشد. در این میان، پرسپولیس به عنوان مشتری دست‌به‌نقد و قدیمی لیموجی، دندان تیز کرده بود تا ساز آبل گلد ماهی بگیرد. سرخ‌پوشان پایتخت امیدوار بودند از رابطه تیره بازیکن و سرمربی و همچنین تمایل سیاهان به کاهش هزینه‌ها استفاده کنند و این انتقال را با کمترین هزینه یا حتی به صورت رایگان نهایی کنند. اما واکنش سیاهان یک شاهکار رسانه‌ای بود. یک توپیت دو کلمه‌ای در شبکه اجتماعی ایکس (توییتر سابق) به عکسی از پیراهن خوش‌رنگ سیاهان و مضمون غیرمستقیم «فروشی نیست». این پیام مز‌الود، در واقع یک اتمام حجت روشن با پرسپولیس و شخص لیموجی بود؛ ما با جدایی تو مشکلی نداریم، اما اینجا خیریه نیست؛ برای بردن ستاره ما، باید سر کیسه راشل کنیدی. پرسپولیس‌هایی‌ها که در تابستان لیگ بیست‌و‌چهارم هم برای جذب این بازیکن ناکام مانده بودند، حالا متوجه شده‌اند که کلید این انتقال، نه در دست لیموجی و مصاحبه‌هایش، بلکه در گرو پرداخت یک مبلغ معقول و قابل توجه به حساب باشگاه اصفهانی است.

با تمام این کشمکش‌های مالی و حقوقی، یک حقیقت بزرگ در باشگاه سیاهان وجود دارد که گفته تراو را به نفع یک انتقال قطعی سنگین می‌کند؛ شخصیت و تفکرات محرم نوید کیا. کسانی که اتمسفر فوتبال ایران را می‌شناسند، به خوبی واقفند که محرم، مربی‌ای نیست که بازیکنی را به زور در تیمش نگه دارد. فلسفه او همیشه شفاف بوده‌است؛ کسی که با قلبش اینچنان نیست، پیراهن سیاهان برایش گنجاه‌است. با توجه به فضای به‌شدت مسمومی که میان لیموجی و سرمربی شکل گرفته، بازگشت این بازیکن به تمرینات و کار کردن زیر نظر این کادر فنی، چیزی شبیه به یک شوخی است. بنابراین، جدایی مهدی لیموجی و پیوستنش به پرسپولیس را باید یک اتفاق قطعی و تمام‌شده بدانیم. آنچه در این روزها شاهدش هستیم، نه تلاش سیاهان برای حفظ بازیکن، بلکه یک بلوف حرفه‌ای در میز پوکر نقل‌وانتقالات است. سیاهان لیج‌بازی نمی‌کند، بلکه در حال تجارت است. آنها می‌دانند که لیموجی رفتنی است، پس با ایجاد یک جنگ روانی در حال بالا بردن قیمت این ویدئو، هر دار صندبلا چله‌ای تبدیل کرده که تمام بازی، خلافت و جسارت شاگردان مولنلار در خود بلعید. در آن دقایق نفس‌گیر و عذاب‌آور، گویی زمان برای بازیکنان ترکیه متوقف شده بود. پاهایی که باید زمین را می‌شکافتند، با زنده‌ای از استرس و ناباوری قفل شده بودند. تیمی که فوتبال هجومی، روان و پرشور خود می‌یابید، در پیله‌ای از سردرگمی گرفتار شد. حسرت بزرگ این نبود که آنها حرفان قدرتمندی داشتند؛ حسرت و پیرانگرا این بود

آریا طاری

جام‌جهانی فوتبال همیشه چیزی فراتر از یک تورنمنت ورزشی بوده‌است؛ اینجا آوردگاهی است که در آن رویاهای یک ملت متولد می‌شوند و کابوس‌های نسلی دیگر شکل می‌گیرند.

حالا که سوت پایان مرحله گروهی جام‌جهانی ۲۰۲۶ برای تعدادی از تیم‌ها به صدا درآمده و غبار نبرد‌های اولیه فرونشسته‌است، مسابقات به بی‌رحمانه‌ترین و در عین حال جذاب‌ترین نقطه خود نزدیک شده؛ مرحله حذفی. با گسترش جام به ۴۸ تیم، حالا مسیر رسیدن به جام طلاسی طولانی‌تر و مین‌گذاری‌شده‌تر از همیشه است. در میان تمام قرعه‌های مرحله یک‌شانزدهم نهایی، نگاه میلیون‌ها هوادار و لنز هزاران دوربین به دو تقابل بهت‌آور دوخته شده است؛ جایی که غول‌های سنتی اروپا و آمریکا جنوبی باید برابر جاه‌طلبی و نظم پولادین نمایندگان آفریقا و آسیا صفا را بی‌کنند. هلند برابر مراکش و برزیل برابر ژاپن؛ این دو مسابقه، تنها یک بازی فوتبال ۹۰ دقیقه‌ای نیستند، بلکه تقابل فلسفه‌ها، تاریخ‌ها و تمدن‌های فوتبالی متفاوتی هستند که پتانسیل خلق بزرگ‌ترین تراژدی‌ها یا حماسه‌های این جام را در دل خود پنهان کرده‌اند.

هلند – مراکش: تله مرگ

ورزشگاه مجهز و زیبای مونتری در مکزیک، آماده‌است تا میزبان یکی از نفس‌گیرترین



جام جهانی ۲۰۲۶ و آغاز سمفونی مرگ و زندگی در یک‌شانزدهم نهایی

لبه تیغ

نبرد‌های جام باشد. رویارویی لاله‌های نارنجی اروپا با بشیرهای اطلس آفریقا، از آن دست بازی‌هایی‌است که کارشناسان با احتیاط درباره آن صحبت می‌کنند و بسیاری آن را تله مرگ برای یکی از این دو تیم قدرتمند می‌دانند.

هلند با اقتدار کامل و به عنوان صدرنشین گروه حالا که مرحله گذشته‌است. شاگردان رونالد کومان با کسب هفت امتیاز و تفاضل گل درخشان ۶، عت نشان دادند که برای توریست بودن به آمریکا شمالی نیامده‌اند. آنها در مرحله گروهی، به جز یک توقف مصلحتی و تاکتیکی برابر ژاپن منظم، در سایر دیدارها برتری بی‌چون‌وچرای خود را به قیبا دیکته کردند. تیمی که امروز در اختیار کومان است، ترکیبی از قدرت فیزیکی و ظرافت تکنیکی است. ستارگانی چون کودی خاکپو یا حرکات ویرانگرش در جناحین و برایان مشین هجومی ترسناک تبدیل شده‌اند. نارنجی‌پوشان از نظر مهارت‌های فردی و عمق ترکیب، بدون شک دست بالاتر را دارند، اما آیا این عبور از سد دفاعی مراکش کافی است؟

سورسی دیگر میدان، مراکشی‌ی قرار دارد که دیگر هیچ کس نمی‌تواند به چشم یک کومان با کسب هفت امتیاز و تفاضل گل درخشان ۶، عت نشان دادند که برای توریست بودن به آمریکا شمالی نیامده‌اند. آنها در مرحله گروهی خیره‌کننده است. عملکرد آنها در مرحله گروهی خیره‌کننده بود؛ کسب تساوی ارزشمند برابر برزیل قدرتمند و در هم کوبیدن مقتدرانه اسکلند و هائیتی، پیام روشنی برای تمام مدعیان داشت. مراکش با نظم تدافعی آهنین، انتقال توپ سریع به فاز هجومی و مهم‌تر از همه، یک روحیه تیمی شکست‌ناپذیر، پتانسیل غول‌کنشی را در تار و پود تاکتیک‌های خود نهاده‌بینه کرده‌است.

تاریخچه رویارویی‌های این دو تیم، اگرچه محدود، اما پسر از قصه‌های یادگرفته‌است. در داغ‌ترین روزهای جام جهانی ۱۹۹۴ آمریکا، این هلند بود که با نتیجه دو بر یک از سد مراکش گذشت و یک پیروزی کلاسیک را ثبت کرد. اما مراکشی‌ها پنج سال بعد، در یک دیدار دوستانه

در سال ۱۹۹۹، با برد مشابه دو بر یک، زهر خود را به لاله‌های نارنجی ریختند و شگفتی‌ساز شدند. حالا در مکزیک، این تاریخ است که دوباره تکرار می‌شود. از نظر تاکتیکی، انتظار می‌رود شاهد یک نبرد کاملاً بسته، فیزیکی و درگیرانه در میانه میدان باشیم. هلند برای پیدا کردن روزه در دیوار دفاعی مراکش باید مصبور باشد و مراکش نیز مانند یک مار افعی، منتظر کوچک‌ترین اشتباه یاران کومان برای نیش زدن در ضدحملات خواهد نشست.

برزیل – ژاپن: رقص در برابر شمشیر

اگر در مکزیکو شاهد یک نبرد فیزیکی و تاکتیکی هستیم، در ورزشگاه غول‌پیکر NRG در هیوستون آمریکا، باید منتظر یک فستیوال تمام‌عیار از تکنیک، سرعت و درام باشیم. تقابل برزیل، پادشاه بلامنازع تاریخ جام‌های جهانی، با ژاپن، نماد پیشرفت و مدرنیته در فوتبال آسیا، تمامی فاکتورهای لازم برای میخکوب کردن تماشاگران پای گیرنده‌ها را دارد.

برزیل، غول همیشگی فوتبال جهان، با اقتدار صدرنشین گروه سوم شد. سلسائو با برد‌های قاطع و پر گل مقابل هائیتی و اسکاتلند نشان داد که ماشین گلزنی‌اش به خوبی روغن کاری شده‌است. البته تساوی آنها مقابل مراکش، یک زنگ بیدارباش به موقع برای خط دفاعی این تیم بود تا بدانند در این جام هیچ حاشیه امنی وجود ندارد. آنچه برزیل مدل ۲۰۲۶ را به شدت متمایز و ترسناک می‌کند، حضور یک تئوریسین بزرگ به نام کارلو آنچلوتی روی نیمکت این تیم است. آنچلوتی توانسته روحیه برتری‌جویی و تکنیک ناب فردی برزیلی‌ها (ژوگو بوینیئو) را با یک ساختار تاکتیکی اروپایی تلفیق کند. نسل جدید ستارگان برزیل با بهره‌گیری از هوش این سرمربی ایتالیایی، تنها و تنها به یک چیز فکر می‌کنند؛ پایان دادن به حسرت طولانی و فتح ششمین ستاره طلایی (Hexa).

اما حرفی‌کی که در تک‌زاس رویه‌روی آنها می‌ایستد، تیمی نیست که پیش از شروع بازی تسلیم نام برزیل شود. ژاپن به عنوان تیم دوم گروه با پنج امتیاز، یکی از منظم‌ترین، سریع‌ترین و بابرنامه‌ترین تیم‌های حال حاضر فوتبال جهان است. آنها در مرحله گروهی، بقیه

مرحله یک‌شانزدهم نهایی جام جهانی با حضور ۴۸ تیم، پویایی و غیرقابل پیش‌بینی بودن فوتبال را به اوج رسانده‌است. در فرمت جدید، فاصله بین تیم‌های درجه یک و تیم‌های درجه دوم بسیار کم شده‌است. فرصت‌های بی‌شماری برای غول‌کش‌فاهرهم آمده تا معادلات فوتبال جهان را باز نویسی کنند. تحلیل نهایی این دو مسابقه بزرگ، باید فاکتور خستگی و استرس را نیز در نظر گرفت. با توجه به نزدیکی قدرت تیم‌ها و انگیزه‌های بالای مراکش و ژاپن، اصلا دور از ذهن نیست که هر دو بازی در ۹۰ دقیقه معمول گره بخورند و سرنوشته صعود به وقت‌های اضافه و حتی ضربات پنالتی کشیده شود؛ جایی که ضربان قلب‌ها به هزار می‌رسند و مستطیل سبز به یک دادگاه بی‌رحم تبدیل می‌شود. در چنین لحظاتی است که تجربه بین‌المللی بازیکنان

مراکش یا پنج سال بعد، در یک دیدار دوستانه

اشتباه و فشارهای روانی گرفتار شده‌است. جام جهانی برای آردا می‌توانست سکوی پرتابی به سوی بی‌نهایت باشد، اما به کلاس درسی بی‌رحمانه و پر از بغض تبدیل شد. آلیر بیلماز، موتور خاموش نشدنی؛ بازیکنی که با استراتژی‌های انفجاری و تعصب مثال‌زدنی‌اش می‌توانست هر خط دفاعی را به زانو در آورد. در آن روزهای شوم، دویدن‌های بی‌امان آلیر بیش از آنکه شبیه به حملاتی زهرآگین باشد، شبیه به دست و پا زدن در باتلاقی بود که هر چه بیشتر در آن تلاش می‌کردی، بیشتر فرو می‌رفتی. کان آیهان، صخره‌ای در میان طوفان؛ بازیکنان باتجربه‌ای مثل او، این‌های تمام‌نما از درد یک ملت بود. او بسا تمام وجود جنگید تا شیرازه تیم از هم نپاشد، اما گاهی تلاش یک نفر برای جلوگیری از فروریختن یک آوار عظیم، کافی نیست. این ستاره‌های جذاب، شایسته‌آن بودند که تافته‌های پایانی جام در صفحه تلویزیون‌ها بدرخشند. آنها باید در مراحل حذفی دلبری می‌کردند، اما خیلی زودتر از آنچه هر بدبینی تصور می‌کرد، مجبور شدند بلیت بازگشت به خانه رازرو کنند.



هلند و برزیل می‌توانند کفه ترازو را به نفع آنها سنگین کنند، اما کیست که نداند روحه جنگندگی، انگیزه جوانی و بازی بدون فشار روانی، می‌تواند هر غولی را در ضربات پنالتی به زانو در آورد. سوت آغاز این مسابقات به زودی در قاره آمریکا به صدا درمی‌آید. این دو دیدار، روح واقعی جام‌جهانی را زنده‌نگه می‌دارند؛ جایی که هواداران از کارابلانکا تا آمستردام و از توکیو تا ریودوژانیرو، با چشم‌مانی اشک‌بار یا لبخندهایی از سر ششوق، نظاره‌گر سرنوشته تیم‌های‌شان خواهند بود. این اقدرت‌های سنتی با تکیه بر تجربه و ستاره‌های زارنده‌نگه‌ی خود به مسیرشان ادامه می‌دهند، یا فوتبال جهان بار دیگر برابر شگفتی‌سازی تیم‌های جسور تعظیم خواهد کرد؟ پاسخ این سوال، در ساق‌های خسته‌اما پرامید بازیکنانی نهفته است که برای نوشتن تاریخ، پایه مستطیل سبزی می‌گذارند.

هلند و برزیل می‌توانند کفه ترازو را به نفع آنها سنگین کنند، اما کیست که نداند روحه جنگندگی، انگیزه جوانی و بازی بدون فشار روانی، می‌تواند هر غولی را در ضربات پنالتی به زانو در آورد. سوت آغاز این مسابقات به زودی در قاره آمریکا به صدا درمی‌آید. این دو دیدار، روح واقعی جام‌جهانی را زنده‌نگه می‌دارند؛ جایی که هواداران از کارابلانکا تا آمستردام و از توکیو تا ریودوژانیرو، با چشم‌مانی اشک‌بار یا لبخندهایی از سر ششوق، نظاره‌گر سرنوشته تیم‌های‌شان خواهند بود. این اقدرت‌های سنتی با تکیه بر تجربه و ستاره‌های زارنده‌نگه‌ی خود به مسیرشان ادامه می‌دهند، یا فوتبال جهان بار دیگر برابر شگفتی‌سازی تیم‌های جسور تعظیم خواهد کرد؟ پاسخ این سوال، در ساق‌های خسته‌اما پرامید بازیکنانی نهفته است که برای نوشتن تاریخ، پایه مستطیل سبزی می‌گذارند.

داستان حذف ترکیه، دراماتیک‌ترین پایان‌بندی ممکن را داشت. وقتی به ایستگاه آخر و نبرد با ایالات متحده آمریکا رسیدند، دیگر نه امیدوی برای صعودباقی مانده بود نه معجزه‌های در کار بود. همه چیز تمام شده بود؛ سفند حذف این تیم بیش از به‌صدا در آمدن سوت آغاز بازی آخر، امضا شده بود. اما فوتبال، زبانی عجیب برای بیان احساسات دارد. در همان مسابقه‌ای که دیگر هیچ ارزش جدولی نداشت، ناگهان طلسم شکست. بغض فروخورده تیم ملی در ترکیه در مستطیل سبیز ترکیه. آنها به یاد آوردند که چه تیمی هستند. ستاره‌هایی که در دو نبرد قبلی در خوابی عمیق فرو رفته بودند، ناگهان بیدار شدند و همان فوتبال مسحورکننده‌ای را به نمایش گذاشتند که تمام دنیا انتظارش را می‌کشید. آنها جنگیدند، خلق کردند و نشان دادند که چه پتانسیل عظیمی در دل این تیم نهفته‌است. اما این بیداری، نوشادرویی بود پس از مرگ سمشیر. با هر حرکت زیبا، هر پاس دقیق و هر فریادشادی پس از موفقیت در این بازی، مانند خنجرمی بود که بیشتر در قلب هواداران فرو می‌رفت. پیروزی در بازی آخر، مرهم نبود؛ نمکی بود روی زخمی باز. این برد به همه نشان داد که ترکیه چه تیم قدرتمندی بود و چقدر مفت و آرازان، رویای خودش را در بازی‌های گذشته به حراج گذاشت.

سوت پایان آخرین بازی که به‌صدا در آمد، هیچ‌کس نمی‌دانست باید بخندند یا گریه کند. بازیکنان روی چمن افتاده بودند. آنها پیروز شده بودند، اما احساس می‌کردند بزرگ‌ترین بازنده‌های جهان‌اند. در چشمان آردا، در نگاه خسته‌کان آیهان و در سکوت سنگین مولنلا، یک جمله مشترک موج می‌زد؛ ما می‌توانستیم، ما باید بیشتر می‌ماندیم. تماشاگران ترکیه‌ای حاضر در ورزشگاه، با چشم‌مانی اشک‌بار ایستادند و تیم‌شان را تشویق کردند. آنها به تیمی ادای احترام کردند که قربانی بی‌تجربگی و فشار روانی خود شد. تیمی که وقتی فهمید چگونه باید پرواز کند که دیگرک بال‌هایش را چیده بودند. حذف ترکیه از این جام جهانی، یک شکست ساده ورزشی نیست؛ یک تراژدی تمام‌عیار در تاریخ فوتبال این کشور است. آنها ۲۴ سال صبر کردند تا این ستاره‌های درخشان را در بزرگ‌ترین آوردگاه جهان ببینند، اما این ضیافت خیلی زود به پایان رسید. ترکیه به خانه برگشت، در حالی که می‌دانست یکی از جذاب‌ترین تیم‌های جام بود. حالا، کوچه‌های استانبول دوباره به سکوت فرو رفته‌اند. پیراهن‌های سرخ‌وسفید به کمد‌ها بازگشته‌اند و میلیون‌ها هوادار، با قلبی شکسته و ذهنی پر از «ای کاش‌ها»، باید دوباره روزها را بشمارند. آیا این نسل طلایی می‌تواند از خاکستری‌انندوه دوباره برخیزد؟ زمان، این قاضی بی‌رحم، پاسخ را خواهد داد.